



در نشست بررسی و نقد شد؛

ضرورت و الزام نظام‌وارگی در رویکرد فقه حکومتی

📅 آخرین اخبار، حکومت و قانون، دیدگاه و گزارش ۱۴۰۰، ۲۹ دی

حجت‌الاسلام ایزدهی گفت: فقه حکومتی مرتبط با اداره کشور و نظام سیاسی است؛ یک نظام سیاسی لوازم و اقتضائاتی دارد. باید ناظر به همان اقتضائات باشد.

به گزارش شبکه اجتهاد، کرسی آزاد اندیشی با موضوع «ضرورت و الزام نظام‌وارگی در رویکرد فقه حکومتی» سه شنبه گذشته اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی با همکاری انجمن مطالعات سیاسی حوزه علمیه قم به صورت حضوری محمّد حجت‌الاسلام و المسلمین سیدسجاد ایزدهی به عنوان ارائه‌دهنده، حجج اسلام و المسلمین ذبیح الله نعیمیان و سیدکاظم سید

حجت‌الاسلام محمد ملک‌زاده دبیر علمی این کرسی به منظور تبیین بحث این نشست گفت: مسائل مرتبط با فقه حکومتی شمار می‌رود. به‌طور مشخص با تاسیس نظام اسلامی، ضرورت بحث از نظام‌مندی فقه در عرصه سیاست و حکومت بیشتر از حکومتی ناظر به عرصه عمل در اداره کلان جامعه است و نظام اسلامی که مبتنی بر فقه شیعی است به‌نظمی متناسب با نیازمند است. این الزامات در سه حوزه روشی، اهداف و غایات و وضع قوانین، به‌مثابه فلسفه عملی فقه لحاظ می‌گردد. قابلیت تبدیل شدن به قوانینی فراگیر جهت اداره کلان جامعه و توانایی تدبیر امور و شئون مختلف جامعه را دارا باشد. از زوایای این مساله مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

حجت‌الاسلام سیدسجاد ایزدهی به عنوان ارائه‌دهنده موضوع در ابتدا با طرح بحث در چند مقوله چپستی، ضرورت، ادله خاطر نشان کرد: فقه شیعه که در طول سالیان گذشته به خاطر استفاده از روش اجتهاد و بهره‌گیری از منابع اصیل، از تناه فقهی، به هدف اداره زندگی مؤمنانه مکلفان به شریعت، استنباط می‌شد، در زمان تصدی فقیهان بر اداره جامعه، تحوّل یافته امور کلان جامعه اسلامی و شهروندان آن را عهده‌دار شده است که مستدعی بازتعریف نظام‌مندی ابواب فقه در تراز نظام اداره جامعه باید از جامعیتی منطبق بر پاسخ به همه شئون زندگی فردی و اجتماعی برخوردار باشند. زیرا نقص یا عدم از اداره کشور را به ناکارآمدی می‌کشاند.

وی افزود: موضوع مورد بحث در پاسخ به پرسش از ضرورت و الزامات نظام‌وارگی در رویکرد فقه حکومتی، گونه‌ای از نظام و که منطبق بر جامعیت، انسجام و هدفمندی متناسب با اداره کارآمد حکومتی دین است. بر این اساس، ما در مقاله‌ای که پ نظام‌وارگی در رویکرد فقه حکومتی، به تعریف و بررسی ضرورت‌هایی پرداخته‌ایم که نظام‌وارگی فقهی را در تناسب با نظام درونی عرصه فقه، در نظر می‌گیرد و الزاماتی را برای آن بیان می‌کند که از آن میان می‌توان به اموری چون: الزامات متناسب قانون‌گذاری نظام سیاسی و الزامات روش‌شناسانه نظام‌وارگی مانند: کل‌نگری و نگرش منظومه‌ای، ملاحظه تأثیر احکام بر ملاحظه احکام در امتداد مبانی کلامی اشاره کرد.

در نهایت بطور خلاصه می‌توان گفت فقه حکومتی مرتبط با اداره کشور و نظام سیاسی است؛ یک نظام سیاسی لوازم و حکومتی هم باید ناظر به همان اقتضات باشد.

حجت‌الاسلام ذبیح الله نعیمیان ناقد اول این کرسی ضمن تقدیر از انتخاب مناسب این موضوع و مباحث طرح شده پیرامون است اما بحث باید مشتمل بر مباحثی باشد تا تکمیل شود. در این رابطه ایشان به چند نکته اشاره کرد.

وی در ادامه گفت: نکته اساسی این است که ما ابتدا باید ببینیم فقه حکومتی به مثابه رویکرد است اما در کنار رویکرد به نظام مند انگاری هم خودش رویکرد است. این دو تا چه نسبتی با هم دارند. در عرض هم هستند یا دارای تقدم و تأخر هسته

این استاد حوزه علمیه اظهار داشت: رویکرد فقه حکومتی، پیش فرض نظام‌مند انگاری فقه است. و این امر سابق بر فقه لحاظ شود و فقه هم بر همین اساس، به سمت نظام‌مندی پیش برود. بحث «نظاماً للأئمه» در جایگاه تشریح است و این به بحث شود. در فلسفه فقه باید نسبت میان این دو لحاظ شود. در رویکرد فقه حکومتی، اگر صحبت از ویژگی‌ها بکنیم با حوزه فقه هم باید بتوانیم این امر را انجام بدهیم.

نعیمیان افزود: در نظام وارگی فقه حکومتی، با رویکرد فقه حکومتی، فقه دارای اجزاء و ترابط است اما آیا می‌توان گفت که داریم در خصوص آن تلاش می‌کنیم نظام وارگی آن است و تولید آن به صورت نظام واره است؟ مستنبط من فقه حکوم نظام وارگی باید به مولفه‌ها و اجزاء تعلق بگیرد. به نظر می‌رسد بحث خیلی شفاف نشده و لذا ویژگی‌های رویکرد فقه حک

وی در ادامه گفت: انعطاف آیا برای حاکم است یا برای فقه؟ نسبت بین ثابت و متغیر را چه کسی باید متصدی شود؟ از یک یا حاکم متصدی تنوع است؟ ولی آیا می‌توان گفت که رویکرد فقه حکومتی، نظام واره است؟ سوال دیگر اینکه غایت مندی برای رویکرد است؟

این استاد حوزه در ادامه بیان داشت: بحث دیگر در خصوص نظام‌شناسی و نظام‌سازی است. نظام‌شناسی، مشتمل بر مب سازی خودش فلسفه، مبانی، اصول، روش و مسائل خودش را دارد. نکته این است که بحث نظام‌سازی هنوز عملیاتی نشده است هنوز ارائه نشده است. پس چهار نوع نظام‌وارگی داریم. یک نظام‌وارگی در حوزه دانش، در حوزه استنباط نظام، و بنابراین بحث نظام‌شناسی از نظام‌سازی متفاوت است و بحث ما در نظام‌وارگی باید ناظر به این مساله باشد.

حجت‌الاسلام سیدکاظم سیدباقری نیز به عنوان ناقد دوم کرسی نکاتی را ارائه کرد که در ادامه می‌خوانید:

نکته اول: عنوان نظام وارگی شاید تعبیر رسائی نباشد. شاید نظام مندی مراد باشد (فقه دارای نظام است) در نظام وارگی گ‌ درحالی که نباید عنوان، دارای ابهام باشد.

نکته دوم: نظام مندی در فقه، مفروض بحث است چون دانش محقق نمی‌شود مگر این که نظام مند باشد. و فقه در طول دارای مبانی، روش، اصول، معیارها و مسائل خاص خودش بوده است.

گویا در این جا باید به مفهومی دیگر از نظام مندی برسیم. یعنی فقه می‌تواند نظام سیاسی با رویکرد حکومتی ایجاد کند سیاسی اجتماعی خاصی را ارائه کند. (این امر هم گویا مفروض گرفته شده است) پس باید منظور از نظام وارگی فقه حکو نظم و نظام است این امر هم مخالفی ندارد.

نکته دیگر: باید دید منظور از نظام سازی یا نظام پردازی چیست؟ یعنی فقه می‌تواند نظام سیاسی ارائه کند. یعنی ساختار، در همه این‌ها باید ورود کند؟ یا این که کارهایی مانند تقسیم وزارت خانه‌ها یا تقسیمات کشوری، کار فقه نیست؟ باید مرز نظام پرداز، فقه سیاسی غیر نظام پرداز و ... معلوم شود تا تلقی واضحی در اینجا ایجاد شود.

نکته دیگر: وجه طرح الزامات سه گانه در چیست؟ چرا این سه گانه از الزامات مد نظر قرار گرفته است. و چرا چهارمی وج قبول دارند درحالی که نظام سازی را قبول ندارند.

نکته بعدی: آیا بحث از کشف نظام است یا بحث از ساخت نظام؟ آیا بحث از نظام است که در فقه و شریعت وجود دارد نظام به معنای نظام سیاسی مستقر هم که در فقه وجود ندارد. لذا بحث کشف نظام نیست بلکه بحث نظام پردازی است اصول و ... را ملاحظه کنیم و برای اداره کشور، این مبانی و منابع و نظام متناسب با شریعت را بسازیم. مثل کاری که اه مبتنی بر نظام ولایت فقیه است. امام قبل از انقلاب، نظریه پردازی کرده و پس از انقلاب، نظام سازی کرده است. بحث از نظام صورت گرفته و گویا در مقام نظام سازی مباحث انجام گرفته است. پس در اینجا باید از مباحث نظام وارگی و نظریه پر